

صاحبنظران سیاست خارجی در گفت‌وگو با «ایران» بررسی کردند

## «پساکرونا» فرصت تحریم شکنی

مریم سالاری

خبرنگار دیپلماتی

خاصیت نهفته در سیاست و قدرت و سایه نفوذناپذیر آن بر کنش و واکنش بازیگران صحنه بین‌الملل، چنان قابل اعتناست که هیچ آفندی همچون «کووید۱۹» نیز نمی‌تواند پایه‌های چینش این روابط را دست کم در کوتاه مدت به لرزه در آورد. «کروناویروس» این بار هیچ کشوری را از سوغات مرگ، ترس و بیماری بی‌نیصیب نگذاشته است؛ ارعاج شومی که می‌طلبید سیاستمداران و اندیشه وزران صحنه سیاست جهان به کم کردن اختلافات و جدی گرفتن مخاطرات این‌پدیده جهان شمول که آسیب‌هایش متوجه مردم و دولت‌ها شده، نگاهی جدی داشته باشند و برای یک بار هم که شده در روند بده بستان‌های معمول قدرت مدارانه خود تجدید نظر کنند. ایجاد بلوک بندی‌های جدید قدرت و نگرش جدیدی از همکاری‌های بین‌المللی در کنار

تضعیف جغرافیای قدرت آمریکا و ایجاد شکاف بین دو سوی پیمان آتلانتیک عصاره دیدگاه شمار زیادی از مهم‌ترین نظریه پردازان بین‌المللی همچون جوزف نای، استفان والت، جان ایکنبری و... درباره تأثیرات راهبردی تحولات جاری در جهان پساکروناست که طی روزهای اخیر مطرح شده است اما پرسشی که در این نوشتار و از ناظران و صاحبنظران ایرانی پرسیده شده این است که ایران در کجای این معادلات پیچیده قرار می‌گیرد؟ و آیا با چالش‌های کمتری در جهان پساکرونا دست و پنجه نرم می‌کند؟

شماری از نوشتارهای پیش رو متغیر کرونا را فرصتی برای همگرایی بیشتر ایران با کشورهای منظومه غرب در مواجهه با سیاست تحریم های آمریکایی عنوان کرده‌اند اما برخی دیگر شیوع این ویروس فراگیر را در منطقه پرا آشوب خاورمیانه برای ریسک‌پذیری هر چه بیشتر کشورهای این حوزه جهت حذف رقیب و بازی‌های حذف گونه مناسب دانسته‌اند.

### اهمیت بازی بر خلاف رویه مرسوم در جامعه بین الملل



امیرحسین‌هاذری  
عضو هیات علمی  
دانشگاه خوارزمی  
و تحلیلگر مسائل  
بین‌الملل

یک اتفاق مهم در عصر پساکرونا تغییراتی جدی در روابط بین‌الملل و ژئوپلیتیک قدرت و ضربه‌پذیری اقتصاد کشورهای صنعتی از این بحران و تجدیدنظر در روابط اقتصادی بین‌المللی در جهت

تأمین نیازهای خود و توجه بیشتر به اولویت‌های داخلی خواهد بود.

این مساله فرصت خوبی برای ایران در جهت دور زدن و کمرنگ کردن تحریم‌ها است. در واقع در شرایط پساکرونا فرصت‌های سیاسی و اقتصادی در سطح منطقه و جهان در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی به وجود خواهد آمد که بایستی با دیپلماسی اقتصادی و سیاسی فعال در راستای اهداف کشور از آنها استفاده کرد. به‌طور مثال با توجه به تضعیف روند همگرایی در اروپا قبل از کرونا با برگزیت و همچنین پس از کرونا به دلیل عدم همکاری اولیه در مقابل با کرونا و زمزمه‌های واگرایی بین کشورهای اروپایی تقویت تعامل با کشورهای که به دلیل تفاوت راهبردی در برخی سیاست‌ها درباره غرب و استقلال نسبی‌شان از آمریکا به «اروپای دوم» معروف هستند(کشورهای مهمی همچون ایتالیا، لهستان، هلند، اتریش و... که اتفاقا هم کشورهای توسعه یافته‌ای هستند و سطح بالایی از رفاه و رونق اقتصادی در آنها وجود دارد و هم تجربه تاریخی نشان می‌دهد دنباله روی چشم و گوش بسته غرب نیستند) می‌تواند بسیار مؤثر باشد.

این در حالی است که به‌نظر می‌رسد آمریکا در دوره‌های مختلف بویژه در دوره ترامپ نشان داده که به اروپا به‌عنوان یک متحد نزدیک نگاه نمی‌کند، خروج از برخی از پیمان‌های تجاری و خروج از برجام برخلاف خواست دولت‌های اروپایی، بی‌انگیز آن است که پیوندهای سیاسی و تاریخی میان دو سوی آتلانتیک در حال کمرنگ شدن است، چرا که منافع مشترک آنها کمتر شده است. علاوه بر این تحولات خاورمیانه و برداشت متفاوت اروپا از مفهوم امنیت و تهدید، عملا باعث شد که اروپایی‌ها دیگر نتوانند به آمریکا اعتماد و اتکا چند دهه قبل را داشته باشند. اما در هر صورت به دلیل وابستگی اقتصادی آمریکا و اروپا در کوتاه مدت نمی‌توان

انتظار تنش یا اختلاف جدی میان اروپا و آمریکا را داشت. اما بدون شک این اختلافات در حوزه‌های مختلف در روند تحولات و مدیریت بحران‌های جهانی تأثیرگذار خواهد بود. عملیاتی کردن سازوکار مالی اروپا موسوم به «اینستکس» موضوع مهمی است و نشان می‌دهد واگرایی میان آمریکا و اروپا در تحولات جهانی همچنان ادامه دارد که حتی می‌تواند وارد فاز چند قطبی شود. علاوه بر این اروپایی‌ها با اقدامات خود در برخورد با ایران مستقلی از آمریکا در پیش گرفته‌اند و به ترامپ اجازه نخواهند داد که فشار حداکثری ادعایی اواز اجرائی کردن اینستکس جلوگیری کند.

در این چارچوب، موضوع لغو تحریم‌های ایران در دوران شیوع کرونا این روزها به نقطه اختلاف میان دونالد ترامپ و رقیبش در حزب دموکرات تبدیل شده و حتی شکافی در میان نخبگان سیاسی آمریکا به وجود آورده است و با وجود واکنش‌های مثبت بین‌المللی درخواست لغو تحریم‌ها از سوی ایران مورد مخالفت ترامپ قرار گرفت و حتی تحریم‌های جدیدی را نیز علیه ایران اعمال کرده است. اما نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که در صورت تداوم شرایط اقتصادی کرونا و تحقق شکل جدیدی از تعاملات بین‌المللی خارج از جهانی‌سازی مدنظر آمریکا، قاعدتا شاهد بی‌اثر شدن تحریم‌های اقتصادی خواهیم بود چرا که یکی از نکات مهم در شدت اثرگذاری تحریم‌های الگوی اقتصاد جهانی موردنظر آمریکا و اروپا (تسلط آمریکا و اروپا بر اقتصاد دنیا با تمرکز بر بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول) بوده است لذا در شرایط پس از کرونا که احتمال بهم ریختن معادلات اقتصاد جهانی و حرکت کشورها جهت مدیریت این بحران به‌سمت استقلال اقتصادی متصور است اثرگذاری تحریم‌ها جای تأمل بسیاری دارد.

لذا باید تلاش کرد خارج از قواعد مرسوم و مدنظر آمریکا تحریم‌ها شکسته شوند. چیزهایی شبیه مبادله‌ای که به‌تازگی، میان ایران و اروپا با استفاده از ساز و کار مالی اینستکس انجام شد. علاوه بر این احتمالات ضعیفی از جمله لغو موقت تحریم‌ها برای دسترسی به منابع ضروری برای کنش‌های اقتصادی اروپا یا برقراری «آتش بس» نسبی در حوزه تحریم‌ها، تا زمان خاتمه بحران کرونا نیز گاهی مطرح و در شرایط خاص متصور است.

### تلاشی تعدمی برای نادیده انگاری متغیر «کووید۱۹» در خاورمیانه

پساکرونا برای منطقه غرب آسیا چندان قابل تصور نیست؛ زیرا چنان که اشاره شد این منطقه با وضعیت‌های بغرنج خو گرفته و در نتیجه اتفاق تازه‌ای در سطح روابط بین ملت‌ها و نهادسازی رخ نداده است. این وضعیت درباره مناسبات سیاست خارجی ایران در منطقه نیز جاری خواهد بود. همیشه این طور بوده که ایران یک طرز تلقی از همسایگان و کشورهای دوست و رقیب خود یا ترتیبات امنیتی در منطقه دارد و سیاست خود را بر همان روال استوار می‌کند. بقیه دولت‌ها نیز کمابیش چنین طرز تفکری دارند؛ یعنی رویکرد سیاست قدرتمندانه یا سیاست واقع گرایانه مبنای عمل همه این کشورها بوده و پیگیری همین رویکرد در آینده نیز قابل پیش بینی است.

چنانکه در دوره شیوع کرونا شاهد تغییر رویکرد و ویژه‌ای از سوی دولت‌های این منطقه نبوده‌ایم، یعنی طرز تلقی‌ها تغییر نکرده است که بخوانند مسائلی را که ایران نیز درگیر آن است، به شکل دیگری ببیند یا به نحو دیگری سیاست‌گذاری کنند. شاهد مثال آن پیگیری رویه سابق درخصوص تحولات همان ترتیبات و روندهای سابق مورد پیگیری ایران گرفته است. شاید اگر نهادهای مدنی در قبال کشورها قریه بودند، می‌توانستند نگرش نو ایجاد کنند و زمینه را برای شکل‌گیری

### ایران پیشتاز گفت‌مان صلح باشد



علی‌هاجذری  
سفیر سابق ایران  
در آلمان

ایپدیمی کووید۱۹ در حالی به بسیاری از کشورهای جهان سرایت کرده است که ابعاد گسترده و خسارت بار آن توجه و تمرکز ویژه دولت‌ها را معطوف خود کرده است. بحرانی که ماهیت آن بر خلاف آنچه در صحنه بین‌الملل متعارف است، انسانی است و نه سیاسی. از این رو انتظار می‌رود که مواجهه با این بیماری فارغ از نژاد و مذهب و رویکردهای سیاسی غالب، بر پایه شکل‌گیری یک همبستگی فراگیر باشد. بسیار زود است که از پیامدهای سیاسی و اقتصادی یک صلح همه گیر که به نظر دور از دسترس است، سخن گفت. شیوع کرونا در حالی در یک رقابت‌های متداول سیاسی کشورها رخ داده است که از آنج سو همه در انتظار هستند که این اپیدمی چه تبعاتی خواهد داشت و دامنه آن تا چه زمانی و در چه سطحی خواهد بود و از سوی دیگر نگاه‌ها متوجه دولت‌هایی خواهد شد که پیشتر بر اساس رقابت‌های سیاسی، جایگاه قدرت خود در عرصه بین‌الملل و بازیگری در سطح جهانی عمل می‌کرده‌اند.

اما با توجه به نوع تهدید این ویروس که امنیت جانی انسان‌ها را نشانه رفته است، از منظر کسانی که با دید انسانیستی نگاه می‌کنند باید انتظار داشت که جهان به طرف تعامل سازنده تری در پساکرونا پیش رود. بویژه که ناباید بودن ریشه‌های شکل‌گیری این بیماری و سرعت گسترش آن باعث شکل‌گیری این گمان می‌شود که ممکن است بروز ویروس‌های مشابهی برای سال‌ها کشورها را درگیر پیامدهای جبران‌ناپذیر خود کند. بر اساس آنچه تاکنون از زمان شیوع این ویروس در بسیاری از کشورها از جمله کشورهای اروپایی رخ داده است، تمرکز این دولت‌ها بر حوزه مسائل داخلی باعث شده که توجه آنها از موضوعات سیاست خارجی کمتر شود. طبیعی است که هر کشوری به اندازه‌ای که گرفتار ابعاد گسترده این ویروس ناشناخته است، به دنبال بحران زایی در سیاست خارجی نیست و به‌طور طبیعی تنش‌ها و چالش‌ها کمتر شده است. این در حالی است که سیاست خارجی یکی از جزوه مهم و تأثیرگذار برای ایران در شرایط جاری است. ایران از یک سو تحت تأثیر تحریم‌های آمریکایی قرار دارد و از سوی دیگر باید تعامل چندسویه خود با جهان بین‌الملل را برای تحقق منافع اقتصادی جهت مقابله با کرونا در مسیری درست هدایت کند. گرچه اپیدمی کرونا و قطع شدن رفت و آمدهای دیپلماتیک به مانعی جدی برای تبادل گفت‌مان و دیپلماسی مؤثر رسمی انجامیده است اما جمهوری اسلامی که سختی تحریم‌ها آن را کرونا به دلیل تحریم‌ها بیش از سایر کشور دیگری است، می‌تواند در این شرایط پیشتاز شود و با در پیش گرفتن یک گفت‌مان صلح جویانه، تنش‌ها را تعدیل کرده و اوضاع را به نفع خود تغییر دهد.



افشار سلیمانی  
سفیر سابق ایران  
در بلاروس

### لزوم تقویت اتحاد ایران، روسیه و چین در پساکرونا

مهم‌ترین مؤلفه تغییر مناسبات و تعاملات بین‌المللی در دوره پساکرونا در گام اول، تغییر نگاه بازیگران قدرتمند جامعه بین‌الملل در حوزه رقابت‌های تنگاتنگ است. این تغییر اندیشه، تسهیل‌کننده شکل‌گیری یک الگوی همکاری جدید زیر سایه بحران اپیدمی کرونا خواهد بود. هنوز چندان ابعاد ویرانگر این روند همکاری میان کشورها در این زمینه نیز چندان قانع‌کننده نبوده است و چنانکه همچنان سایه رویکرد سیاسی و رقابت کشورها در این زمینه بر سر این بحران نیز سنگینی می‌کند. ذیل همین نگاه است که آمریکا که خود درگیر مبارزه با این بیماری است دست کم از تعلیق موقت تحریم‌های سنگین اقتصادی ایران خودداری می‌کند.

اگر گزاره اصلی در میدان مواجهه با کرونا همچنان دغدغه‌های سیاسی کشورهاست که این طور به نظر می‌رسد ایران در چنین شرایطی با کشورهایی که در این زمینه بر سر یک بلوک شرق از جمله چین و روسیه از منظر سیاسی نزدیکی قابل توجهی دارد، دو کشوری که خود در شرایط کنونی به نوعی در مقابل همکاری گرفته‌اند و حتی بحران کرونا سایه این رویارویی را سنگین‌تر کرده است. ایران، چین و روسیه اخیرا ذیل شرایط جدید بین‌المللی و تحولات ناشی از یکجانبه‌گرایی آمریکا در ماجرای پرچام به یکدیگر نزدیک‌تر شده‌اند، بنابراین در شرایطی که شیوع ویروس کرونا در گام اول جان انسان‌ها را نشانه رفته و لذا دغدغه امنیت انسانی را به صدر اولویت وجوه امنیتی نشانداده است، این کشورها می‌توانند الگوی جدیدی از همکاری را با بهره‌گیری از ظرفیت‌های داخلی اقتصادی و بهداشتی خود طراحی و اجرا کنند. یعنی نوع همکاری ابتدا باید بر پایه یافتن راهکار نجات جان انسان‌هایی باشد که می‌تواند دامن شهروندان همه این کشورها را بگیرد و در گام بعدی کمک به اقتصاد شکننده کشورهای آسیب پذیرتری چون ایران باشد. روسیه به‌عنوان یکی از کشورهای مهم و پایه‌گذار اتحادیه اوراسیا که بر روند تجارت کشورهای این اتحادیه تسلط دارد، می‌تواند نقش مؤثری در ایجاد این الگوی همکاری داشته باشد و ظرفیت کشورهای عضو را در مسیر تحقق منافع اقتصادی این کشورها که در شرایط کنونی می‌تواند به کمترین میزان خود برسد، فعال‌تر کند. الان همکاری‌های اقتصادی زیر سایه شیوع کرونا فروکش کرده است و قیمت نفت به دلیل کاهش تقاضا و پرشدن انبارها به پایین ترین سطح خود رسیده است، بنابراین این همکاری‌ها در اوج گیری اپیدمی کرونا باید بر دو کشورهای آسیب پذیر تحت تحریم می‌مانند ایران باشد. کرونا ثابت کرده است که تنها از طریق همکاری می‌توان به صلح، ثبات و امنیت جمعی رسید تا نفع آن به همه کشورها برسد. در واقع در دوره بحران مبتلا به کشورها به این بحران، تنها هوشمندی تک تک بازیگران در درک درست از واقعیات منطقه‌ای و بین‌المللی می‌تواند بازی‌ها و معادلات سیاسی را تغییر دهد. حالا که به نظر می‌رسد این همکاری در سطح جهانی و بویژه از سوی کشور بزرگی چون آمریکا اتفاق نیفتاده، می‌تواند بواسطه همگرایی سیاسی کشورهای حوزه آسیا و منطقه خاورمیانه رخ دهد. هر چند که پس از گذشت این بحران، رقابت‌های تسلیحاتی و اقتصادی و سلطه‌گری کشورها به روند پیشین خود بازخواهد گشت.

هم به همین میزان همین گرفتاری را پیدا کرده‌اند.

نکته دیگری هم که باید مدنظر قرار گیرد، احتمال تغییر رفتارها و تشدید تنش‌ها به دلیل سوءمحاسبه‌هایی است که هر کنشگری می‌تواند از وضعیت رقیب خود داشته باشد. یعنی فکر کند که ویروس کرونا باعث شده رقیبش ضعیف شود و خود را در موقعیت ضعف نبیند این نگاه می‌تواند مبنای سوءمحاسبه‌ای در پرونده‌هایی باشد که یک سوی آن ایران قرار دارد. احتمال وجود این سوءمحاسبه از جانب همه بازیگران وجود دارد و از این جهت استعداد بروز تنش در منطقه حداقل برای کوتاه مدت یعنی تا پایان امسال خیلی جدی است؛ زیرا همه کشورها به نوعی فکر می‌کنند منطقه در حال گذار است و شاید بتوانند با برخی از حرکات توأم با ریسک وضعیت خود را تثبیت کنند و حریف را در مگنکه قرار دهند.

این نوعی بازی مبتنی بر حذف است که ممکن است به‌سرعت باعث تصاعد بحران شود. چون در این جهت استعداد نمی‌توان محاسبه کرد که حریف احتمالا چگونه رفتار خواهد کرد. این در حالی است که بی‌تردید حضور کشورها یا نهادهای بین‌المللی که خواهان همجگرایی باشند نیز کم رنگ‌تر می‌شود و قابل پیش‌بینی است که آنها در شرایطی که خودشان بشدت درگیر مشکلات دیگر



### لزوم تقویت اتحاد ایران، روسیه و چین در پساکرونا

مهم‌ترین مؤلفه تغییر مناسبات و تعاملات بین‌المللی در دوره پساکرونا در گام اول، تغییر نگاه بازیگران قدرتمند جامعه بین‌الملل در حوزه رقابت‌های تنگاتنگ است. این تغییر اندیشه، تسهیل‌کننده شکل‌گیری یک الگوی همکاری جدید زیر سایه بحران اپیدمی کرونا خواهد بود. هنوز چندان ابعاد ویرانگر این روند همکاری میان کشورها در این زمینه نیز چندان قانع‌کننده نبوده است و چنانکه همچنان سایه رویکرد سیاسی و رقابت کشورها در این زمینه بر سر این بحران نیز سنگینی می‌کند. ذیل همین نگاه است که آمریکا که خود درگیر مبارزه با این بیماری است دست کم از تعلیق موقت تحریم‌های سنگین اقتصادی ایران خودداری می‌کند.

اگر گزاره اصلی در میدان مواجهه با کرونا همچنان دغدغه‌های سیاسی کشورهاست که این طور به نظر می‌رسد ایران در چنین شرایطی با کشورهایی که در این زمینه بر سر یک بلوک شرق از جمله چین و روسیه از منظر سیاسی نزدیکی قابل توجهی دارد، دو کشوری که خود در شرایط کنونی به نوعی در مقابل همکاری گرفته‌اند و حتی بحران کرونا سایه این رویارویی را سنگین‌تر کرده است. ایران، چین و روسیه اخیرا ذیل شرایط جدید بین‌المللی و تحولات ناشی از یکجانبه‌گرایی آمریکا در ماجرای پرچام به یکدیگر نزدیک‌تر شده‌اند، بنابراین در شرایطی که شیوع ویروس کرونا در گام اول جان انسان‌ها را نشانه رفته و لذا دغدغه امنیت انسانی را به صدر اولویت وجوه امنیتی نشانداده است، این کشورها می‌توانند الگوی جدیدی از همکاری را با بهره‌گیری از ظرفیت‌های داخلی اقتصادی و بهداشتی خود طراحی و اجرا کنند. یعنی نوع همکاری ابتدا باید بر پایه یافتن راهکار نجات جان انسان‌هایی باشد که می‌تواند دامن شهروندان همه این کشورها را بگیرد و در گام بعدی کمک به اقتصاد شکننده کشورهای آسیب پذیرتری چون ایران باشد. روسیه به‌عنوان یکی از کشورهای مهم و پایه‌گذار اتحادیه اوراسیا که بر روند تجارت کشورهای این اتحادیه تسلط دارد، می‌تواند نقش مؤثری در ایجاد این الگوی همکاری داشته باشد و ظرفیت کشورهای عضو را در مسیر تحقق منافع اقتصادی این کشورها که در شرایط کنونی می‌تواند به کمترین میزان خود برسد، فعال‌تر کند. الان همکاری‌های اقتصادی زیر سایه شیوع کرونا فروکش کرده است و قیمت نفت به دلیل کاهش تقاضا و پرشدن انبارها به پایین ترین سطح خود رسیده است، بنابراین این همکاری‌ها در اوج گیری اپیدمی کرونا باید بر دو کشورهای آسیب پذیر تحت تحریم می‌مانند ایران باشد. کرونا ثابت کرده است که تنها از طریق همکاری می‌توان به صلح، ثبات و امنیت جمعی رسید تا نفع آن به همه کشورها برسد. در واقع در دوره بحران مبتلا به کشورها به این بحران، تنها هوشمندی تک تک بازیگران در درک درست از واقعیات منطقه‌ای و بین‌المللی می‌تواند بازی‌ها و معادلات سیاسی را تغییر دهد. حالا که به نظر می‌رسد این همکاری در سطح جهانی و بویژه از سوی کشور بزرگی چون آمریکا اتفاق نیفتاده، می‌تواند بواسطه همگرایی سیاسی کشورهای حوزه آسیا و منطقه خاورمیانه رخ دهد. هر چند که پس از گذشت این بحران، رقابت‌های تسلیحاتی و اقتصادی و سلطه‌گری کشورها به روند پیشین خود بازخواهد گشت.

هستند، انگیزه چندانی برای ورود به فضای حل اختلاف نداشته باشند. سازوکارهای حل مناعه‌ایم از ارجاع به شورای امنیت نیز موضوعیت ندارد. به همین دلیل شاید جای هشدار باقی باشد که احتمالا این بازی‌های حذف گونه می‌تواند بسیار پرریسک باشد و به نظر می‌آید همه دولت‌های این استعداد را تمایل را دارند که وارد این بازی‌های حذف گونه شوند. بنابراین باید این مساله را به‌عنوان پیش‌شرانی که باید جدی انگاشته شود مدنظر قرار داد.

در واقع منطقه خاورمیانه بیشتر در معرض فرسایش ژئوپولیتیک قرار گرفته است و در دوران پساکرونا به دلیل همین فقدان همکاری و روحیه تعامل گرایی، وضعیت برخورد‌ها جدی‌تر خواهد شد و چنانچه بازیگران این منطقه به فرمولی از همکاری برای حداقل دفع تهدیدات مشترک نرسند، قطعا منطقه درگیر یک فرسایش ژئوپولیتیک خواهد شد؛ زیرا در این منطقه تهدیدات مشترکی مانند تروریسم، افراطی‌گرایی و قاچاق و سازمان یافته انسان و مواد مخدر وجود دارد و در عین حال فهم مشترکی درمورد این موارد وجود ندارد، طبیعی است که در این شرایط دچار فرسایش بیشتری خواهد شد. کما اینکه باید به این موارد، پدیده‌هایی مانند کاهش قیمت نفت را افزود تا دریافت که روند تنش تشدید خواهد شد.

خودشان بشدت درگیر مشکلات دیگر

### ۱۵ ایرانی با اتهام‌های نظامی و دفاعی در خارج از کشور بازداشت هستند

«خبر اول اینکه، در نشست عصر دوشنبه کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس موضوع بازداشت سیروس عسگری، استاد دانشگاه شریف در آمریکا و ابتلای وی به کرونا مورد بررسی قرار گرفت. سید حسین نقوی سخنگوی کمیسیون به نقل از نماینده وزارت امور خارجه در این نشست گفته است «افراد دیگری غیر از دکتر عسگری نیز در آمریکا یا سایر کشورها به همین مشکلات گرفتار شدند». به گزارش تسنیم، معاون وزارت دفاع نیز ضمن ارائه گزارشی گفت که «متأسفانه تعدادی از اتباع ما در سایر کشورها گرفتار هستند. ما در حوزه دفاع بیش از ۳۰ مورد داشتیم که به دلیل رفتار خصمانه آمریکایی‌ها گرفتار شده بودند، البته با همکاری دستگاه‌های مربوطه جهت حل مشکل آنها تلاش‌های مؤثری صورت گرفت و وزارت امور خارجه در این زمینه نهایت تلاش و همکاری را دارد». به گفته معاون وزارت دفاع «در حال حاضر پنج نفر به اتهام فعالیت‌های نظامی و دفاعی و بهانه‌های بیپهوه اسیر و بازداشت شدند.»

### دوره احمدی‌نژاد تمام شده است

«خبر دیگر اینکه، فریدون عباسی منتخب کارزون در مجلس یازدهم و رئیس سازمان انرژی اتمی دولت محمود احمدی‌نژاد همچنان اصرار دارد که به‌صورت مستقل نامزد ریاست مجلس شود. او در گفت‌وگو با ایلنا درباره برخی گمانه‌زنی‌ها مبنی بر تشکیل فراکسیون «احمدی‌نژادی‌ها» در مجلس یازدهم، بار د این مساله، گفت: اصلا چنین چیزی مطرح نیست، آقای احمدی‌نژاد یک اپیدئولوژی یا سبک نیست. ایشان یک نفر بود که در یک دوره‌ای از شورای نگهبان برای حضور در انتخابات تأییدیه گرفت و دو دوره مردم به او رای دادند و اکنون دوره‌اش تمام شده است. وی ادامه داد: وقتی شورای نگهبان دوباره نمی‌پذیرد که ایشان برای ریاست جمهوری بایاید یعنی ایشان خاتمه پیدا کرده است. در نتیجه اینکه دائم در خصوص جرایمی به‌نام «احمدی‌نژادی‌ها» فضا سازی می‌کنند، یک جوسازی مطبوعاتی است.

### صادرات کیت تشخیص کرونا از ایران به آلمان

«دست آخر اینکه، یک خبرگزاری ترکیه‌ای خبر داده که یک محموله کیت تشخیص کرونا از ایران به آلمان صادر شد. به گزارش ایلنا به نقل از آنا تولی، محموله کیت تشخیص ویروس کووید-۱۹ ساخت ایران دیروز از تهران به مقصد آلمان صادر شد.

### هنوز فردید

فردیدی که حس شنیداری متفکران ایرانی هنوز با واژه‌ای به‌نام «بست‌مدرنیسم» آشنایی نداشت و آن را نمی‌شناخت، این دیدگاه را به سبک ایرانی بیان کرد و... اگر چنین است چنین روش و خشونت‌اندیشی چه نتایجی دربردارد؟ و چه درس و آموزه‌ای برای نسل جوان ایرانی داشته چه آموزه این چنین برخوردی، دستکم برای این نسل این است که پاشنه بر همان در قدیمی می‌چرخد و به‌جای نقد اندیشه، باید در احوالات شخصی صاحب فکر و اندیشه مخالفت تجسس کرد و کاوید و ضعف‌های شخصی را به‌جای نقد شخصیت فکری رسوا کرد و افشا نمود و نقد اندیشه را به نقد روانشناختی فروکاست. رویه‌ای که همواره و در ادوار تاریخی‌ما، آفت فکری در ایران بوده و برخی چهره‌هایی که در این مستندسازی‌ها فرید را با این روش نقد کردند، خود را قربانی آن می‌دانند. باید این پندار و کلام معصوم را اویزه گوش کرد که اگر رفتاری را بر خود نمی‌پسندی در دیگران حتی دشمنان خود نیز مپسند. اگر فردید بر خاشاک و تود خوی بود که بود، اما مخالفان وی هم در رفتار خود «فردیدی» هستند.

فرید را ماندن هرمتفکر دیگری می‌توان و باید نقد کرد و جای نقد بسیار دارد اما نمی‌توان با نقدهای شبه روانشناختی و تجسس در احوالات شخصی وجدان روشنفکرانه خود را آسوده ساخت و از مسئولیت فکری و تاریخی و اجتماعی خود گریخت. نقدهایی که حزب توده در ایران به مهارت و استادی تمام آن را علیه مخالفان خود به کار می‌بست، بارها اینگونه نقدها علیه فردید صورت گرفته و هنوز هم کوپی منتقدان به این صرافت بی‌برده‌اند که چیزی را راکم گذاشته و کم‌فروشی کرده‌اند و هنوز هم گمانی که می‌خواسته‌اند، نبرده‌اند. همچنان نقد این گونه و تجسس در احوالات شخصی هیدکس فوکو، هابرماس و... که هنوز همچنین کم‌فروشی‌هایی بی‌نتیجه بوده است، زیرا هنوز هم آنان در نزد متفکران ایرانی و جهانی سخنی برای شنیدن و آرای رفیع برای التفات و مذاقه دارند. هنوز هم تفکر این متفکران در آثار متاخر و جدید موضوعیت و بلکه برای برخی طریقت دارد. هنوز هم هگل و مارکس در ایران زنداند، باوجود آنکه برخی با قصد داشته‌اند و می‌توانستند آنها را ساده و سرسری نادیده انگارند. هنوز هم مارکسیسم لنینسم و سوسیالیسم باوجود افول و فروپاشی نظام کمونیستی شوروی خوانده و کیرایی دارند. تا زمانی که سرمایه‌دار هست سوسیالیسم به‌عنوان باذر آن حاضر و ناظر خواهد بود، تا غریگرایی هست، غریزگی هم.

اگر قیاس این اندیشمندان با فردید خطا است که هست، اما اندیشه را به قوی‌ی در روند دیالکتیک مبتنی بر دیالگو می‌توان نقد کرد و از سر گذرانید و به «سنتری» دست یافت که نه آن است و نه این و هم آن است و همین این، در اندیشه، «راه رشد آسیایی» وجود ندارد و اندیشه را نمی‌توان با چنین میان‌برهانی نقد زد و به ضرب گفتاری و زور کلامی و خشونت سخن سرایی از روی آن جوش کرد. اندیشه، قانونمندی و منطق خاص خود را دارد و نمی‌توان آن را نادیده انگاشت و درس اندیشورزی داد. با این دور زدن‌ها «تحریم فرید» به سرانجام نمی‌رسد. همچنان که تحریم مارکسیسم، سوسیالیسم، دموکراسی، لیبرالیسم و... با این خون دل و دود چراغ خورد و سطر به سطر و مقاله به مقاله و کتاب به کتاب آنها را به قدر توان و تحمل خود فهمید و درک کرد. برخلاف آن، اندیشورزی همان عبقری و بازگشت به دوران تاریخی شهید مقتول سرور دی و تحریم و تکفیر این عربی و مولوی و ملاصدرا و علامه طباطبایی و... است. تاریخ را در این مورد می‌توان دوباره و چندباره تکرار کرد اما به اجاق اندیشه ایرانی هیزمی نمی‌رساند و نمی‌توان در این راه کامیاب نمی‌کند. باز تکرار می‌کنم قیاس فرید با آنها مع‌الفارق است اما راه تحریم و تکفیر مخالفان همانی است که بود و قیاسی درست است.

اینکه چرا، دستکم، در این یکصد سال تاریخ اندیشه معاصر، جریان‌های فکری و فرهنگی و سیاسی این مدل بوده‌اند و از شنیدن لوای دیگری امتناع داشته‌اند و از گفت‌وگو سر پیچی کرده‌اند، رازی دارد که در همین نقدها می‌توان آن را رمز زدایی کرد. هر چه هست تاریخ چون سیر دوری تکرار می‌شود و ما هنوز در فهم و تحلیل اندیشه‌ها در صدر مشروطه و در جلال میان مشروطیت و مشروعیات فرومانده‌ایم، همین است که حرمت اندیشه را پاس نداشته‌ایم؛ هم خودی و هم غیر خودی‌ها. در این دو سطح سرانی درس تسامح و تساهل و مدارا را چنان گرم و پرشور ارائه می‌دهیم که متفکران رنسانس را در گفته خودشان که «دادن حق انسان است» و «جان خودم را می‌دهم تا تو سخت را بگویی»، «شرمند توضیح و فروتنی خود می‌کنیم، اما در عمل چنان فریاد خشونت گرایانه علیه «خشونت» می‌دهیم که فلسفه انارک هم دیرواز از پیاد می‌برد و خود سخره دیوی می‌شود. درس آموختن از روش نقد دیگری از مضمون و محتوای نقد مهم‌تر است اگر قصد درس آموختن اندیشیدن را داریم به یاد داشته باشیم ادب دانش از مضمون خود دانش مهم‌تر ار جرمندتر است و اینجا ظرف به م‌ظروف تقدم دارد. به قول قدما، اساسا دانش چیزی از ادب نیست و الا صدر و ذیل تاریخ اندیشه ما همان است که بود و به قول شاعری بازم روز، بازم شب و بازم هنر...



جعفر حق‌پناه  
استاد دانشگاه و  
سابق‌نظر مسائل  
خاورمیانه

ما به طور طبیعی در سطح منطقه غرب آسیا عادات کرده‌ایم که همواره با رویدادهای شگفتی ساز و عدم قطعیت‌ها رو به رو باشیم. در مناطق پیرامونی ایران همواره رخدادها بر روندها چیرگی داشته است و در حالی که این منطقه پر از شگفتی و پرا آشوب به ظاهر دچار وضعیت سخت و پیچیده شده بود، دیگر انتظار نمی‌رفت شگفتی جدیدی رخ دهد. اما شیوع کووید ۱۹ این پیش‌بینی را به هم زد و خاورمیانه باز با یک رویداد شگفتی ساز از نوع اپیدمی کرونا مواجه شد.

از این منظر باید وضعیت مناطق پیرامونی ایران را متفاوت از بقیه نقاط دنیا بررسی کرد. به نظر می‌رسد وزن این متغیر در مناسبات میان دولت‌ها در منطقه اروپای غربی یا در روابط فراآتلانتیکی میان آمریکا و اتحادیه اروپا یا چین و آمریکا در مقایسه با منطقه غرب آسیا بسیار بیشتر باشد. می‌توان در باره مناسبات کشورهای منظومه غرب از دنیای پساکرونا سخن گفت، چنانکه نشانه‌های تضعیف همگرایی در اتحادیه اروپا پدیدار شده است و مناسبات آمریکا و متحدانش رو به ضعف رفته است. اما وقوع دنیای تازه‌ای با مختصات